

معرفی اسناد

برگردان دکتر ناصر موفقیان

برگزیده‌ای از توصیه‌نامه‌ها و مقاله‌نامه‌های بین‌المللی که در این بخش به نظر خوانندگان علاقه‌مند می‌رسد، در حقیقت اسناد بین‌المللی پر اهمیتی محسوب می‌شوند که مسائل پیچیده‌ای چون اشتغال، بیکاری، آموزشهای حرفه‌ای، بهداشت و بازرسی کار، و دیگر مباحث مربوط به نیروی انسانی شاغل یا آماده به کار را، به‌خصوص در فعالیتهای صنعتی و کشاورزی، در برمی‌گیرند.

تهیه و تدوین این توصیه‌نامه‌ها و مقاله‌نامه‌های بین‌المللی در سال ۱۹۱۹، پس از جنگ جهانی اول، از سوی دولتهای جهان بر عهده سازمانی به نام "سازمان بین‌المللی کار" گذاشته شد که در سال ۱۹۴۵، پس از جنگ جهانی دوم، به عنوان نخستین کارگزار اختصاصی سازمان ملل متحد، در ژنو به فعالیتهای خود ادامه داد.

هدفهای اعلام شده سازمان بین‌المللی کار عبارت است از،

- کمک به ایجاد صلح پایدار از طریق ترویج عدالت اجتماعی
- بهبود شرایط کار و سطح زندگی از طریق تأمین ثبات اقتصادی و اجتماعی و همکاریهای بین‌المللی.

از آنجا که مسائل و مباحث مطرح‌شده در این توصیه‌نامه‌ها و مقاله‌نامه‌ها عملاً زیر ساخت نظری هرگونه سیاست تأمین اجتماعی را تشکیل می‌دهند، آشنایی با آنها را می‌توان پنجره‌گشاده‌ای به سوی دنیای کار و رفاه اجتماعی در جهان امروز دانست.

سند اول

مقاله‌نامه شماره ۱۱

ناظر بر حق تشکیل اتحادیه و ائتلاف کارگران کشاورزی*

کنفرانس عمومی سازمان بین‌المللی کار، که به دعوت هیأت مدیره دفتر بین‌المللی کار، به تاریخ ۲۵ اکتبر ۱۹۲۱، در ژنو، تشکیل گردید، و با توجه به پذیرش بعضی پیشنهادات مربوط به حق تشکیل اتحادیه و ائتلاف کارگران کشاورزی، که در چهارمین موضوع دستور کار این نشست گنجانده شده بود، و، با اتخاذ این تصمیم که پیشنهادات مذکور باید به صورت مقاله‌نامه بین‌المللی درآید، مقاله‌نامه زیر را، که می‌توان آن را مقاله‌نامه ناظر بر حق تشکیل اتحادیه (کشاورزی)، ۱۹۲۱، نامید، به موجب مفاد اساسنامه سازمان بین‌المللی کار، برای تصویب اعضای سازمان بین‌المللی کار مورد پذیرش قرار داد:

ماده ۱

هر یک از اعضای سازمان بین‌المللی کار که به تصویب این مقاله‌نامه مبادرت می‌ورزد، متعهد می‌شود که حق تشکیل اتحادیه و ائتلاف را، همانند کارگران صنعتی، برای تمام آنهایی که در کشاورزی به کار مشغولند تأمین نماید، و هرگونه متن قانونی یا مقررات دیگر را که ناظر بر محدودیت حق تشکل و تجمع کارکنان کشاورزی باشد ملغی اعلام کند.

ماده ۲

تصویب رسمی این مقاله‌نامه، در تحت شرایط مندرج در اساسنامه سازمان بین‌المللی کار، باید برای ثبت به مدیرکل دفتر بین‌المللی کار ابلاغ گردد.

ماده ۳

۱. این مقاله‌نامه از تاریخی که تصویب آن از جانب حداقل دو عضو سازمان بین‌المللی کار برای ثبت به

* این مقاله‌نامه از ۱۱ مه ۱۹۲۳ قوت قانونی یافته است.

مدیرکل ابلاغ گردد، قوت قانونی خواهد یافت.

۲. در این تاریخ، فقط همان اعضای که مصوبات خود را برای ثبت به مدیرکل دفتر بین‌المللی کار ابلاغ کرده باشند، نسبت به این مقاله‌نامه متعهد خواهند بود.
۳. از این تاریخ به بعد، مقاله‌نامه برای هر یک از دیگر اعضا هنگامی قوت قانونی خواهد یافت که تصویب رسمی خود را برای ثبت به دفتر بین‌المللی کار ابلاغ نمایند.

ماده ۴

به مجرد آنکه تصویب رسمی دو عضو سازمان بین‌المللی کار به وسیله دفتر بین‌المللی کار به ثبت رسید، مدیرکل دفتر بین‌المللی کار موظف است که موضوع را به تمام اعضای سازمان بین‌المللی کار ابلاغ نماید. وی به همین ترتیب باید ثبت رسمی تصویب‌نامه‌هایی را هم که ممکن است بعداً از سوی دیگر اعضای سازمان فرستاده شود به تمام اعضا اعلام دارد.

ماده ۵

به موجب مفاد ماده ۳، هر یک از اعضا که این مقاله‌نامه را به تصویب برسانند، عملاً موافقت کرده است که مفاد ماده ۱ را حداکثر تا اول ژانویه ۱۹۲۴ به مرحله اجرا درآورد، و کلیه اقدامات لازم برای اجرای مؤثر مفاد آن ماده را نیز به عمل بیاورد.

ماده ۶

هر عضو سازمان بین‌المللی کار که این مقاله‌نامه را به تصویب می‌رساند متعهد می‌گردد که مفاد آن را در مستعمرات، مستملکات و سرزمینهای تحت‌الحمایه خود نیز برحسب مفاد ماده ۳۵ اساسنامه سازمان بین‌المللی کار به کار بندد.

ماده ۷

هر عضوی که این مقاله‌نامه را به تصویب رسانده باشد، پس از گذشت ده سال از تاریخ تنفیذ اولیه آن می‌تواند، با ارسال اعلامیه‌ای برای ثبت به مدیرکل دفتر بین‌المللی کار، به فسخ آن مبادرت ورزد. این فسخ فقط هنگامی رسمیت خواهد یافت که حداقل یک سال از تاریخ ثبت آن به وسیله دفتر بین‌المللی کار گذشته باشد.

ماده ۸

هیأت مدیره دفتر بین‌المللی کار در هر زمان که لازم بدانند باید طی گزارشی از عملکرد این مقاله‌نامه به

کنفرانس عمومی، ضرورت گنجاندن موضوع تجدیدنظر کامل یا جزئی این مقاله‌نامه را در دستور کار کنفرانس مورد بررسی قرار دهد.

ماده ۹

متنهای فرانسه و انگلیسی این مقاله‌نامه هر دو معتبر خواهند بود.

سند دوم

توصیه‌نامه شماره ۱۴۹

مربوط به سازمانهای کارگران روستایی و نقش آنها در

توسعه اقتصادی و اجتماعی

کنفرانس عمومی سازمان بین‌المللی کار، که به دعوت هیأت مدیره دفتر بین‌المللی کار، در تاریخ ۴ ژوئن ۱۹۷۵، شصتیمین نشست خود را در ژنو برگزار کرده است، با توجه به این‌که اهمیت کارگران روستایی در دنیا مشارکت دادن آنها را در برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی به قصد بهبود مستمر و مؤثر شرایط زندگی آنان ضروری ساخته است، و با یادآوری این نکته که در بسیاری از کشورهای جهان سوم، و به‌خصوص در کشورهای توسعه‌یافته، بخش وسیعی از اراضی و نیروی کار موجود در حد متعارف به کار گرفته نمی‌شود و این امر ایجاب می‌نماید که کارگران روستایی به روشهای گوناگون مورد تشویق قرار گیرند تا سازمانهایی آزاد و پایدار برای حمایت و اعتلای منافع اعضایشان تشکیل داده و از این راه مشارکت مؤثر خود در توسعه اقتصادی و اجتماعی را تضمین کنند، و با توجه به این‌که چنین سازمانهایی می‌توانند، و باید، در تخفیف کمبودهای مداوم فرآورده‌های غذایی در مناطق مختلف دنیا سهم باشند، و با پذیرش این امر که اصلاحات ارضی در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته عامل اصلی بهبود شرایط کار و زندگی کارگران روستایی محسوب می‌گردد و بنابراین سازمانهای نامبرده می‌توانند همکاری و مشارکت فعالانه‌ای در تحقق چنین اصلاحاتی داشته باشند، و

با یادآوری مفاد مقاوله‌نامه‌ها و توصیه‌نامه‌های بین‌المللی موجود در زمینه کار- به‌ویژه مقاوله‌نامه "حق تشکیل اتحادیه (کشاورزی)، ۱۹۲۱"، "مقاوله‌نامه آزادی تشکیل اتحادیه و حمایت از حق سازماندهی، ۱۹۴۸"، و "مقاوله‌نامه حق سازماندهی و مذاکرات دسته جمعی، ۱۹۴۹" - که تأییدکننده حق همه کارگران، از جمله کارگران کشاورزی، در ایجاد سازمانهای آزاد و مستقل هستند، و نیز مفاد بسیاری دیگر از مقاوله‌نامه‌ها و توصیه‌نامه‌های بین‌المللی قابل تعمیم به کارگران روستایی که به‌طورکلی خواهان مشارکت آنان از طریق ایجاد سازمانهای خاص خودشان هستند، و

با تذکر مساعی مشترک سازمان ملل متحد و سازمانهای تخصصی آن، به‌خصوص سازمان بین‌المللی کار و سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد، در جهت اصلاحات ارضی و توسعه روستایی، و با یادآوری این‌که استانداردهای زیر با همکاری سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد تهیه شده، و این‌که به منظور اجتناب از دوباره کاری همکاریهای مستمر با آن سازمان و همچنین با سازمان ملل برای اعتلا و کاربست این استانداردها ادامه خواهد یافت، و

با اتخاذ تصمیم در مورد پذیرش بعضی پیشنهادات مربوط به سازمانهای کارگران روستایی و نقش آنها در توسعه اقتصادی و اجتماعی، که چهارمین موضوع دستور کار نشست حاضر را تشکیل می‌دهد، و با تأکید بر این امر که پیشنهادات مذکور باید به صورت توصیه‌نامه در آیند، در این روز بیست و سوم ماه ژوئن سال ۱۹۷۵ توصیه‌نامه زیر را که می‌توان آن را "توصیه‌نامه مربوط به سازمانهای کارگران روستایی، ۱۹۷۵" نامید مورد تصویب قرار می‌دهد:

اول. کلیات

۱. (۱) این توصیه‌نامه در برگیرنده همه انواع سازمانهای کارگران روستایی، از جمله سازمانهایی است که به نحوی از انحا نمایندگی کارگران روستایی را برعهده داشته باشند.
- (۲) توصیه‌نامه مربوط به تعاونیها (کشورهای در حال توسعه)، ۱۹۶۶، در مورد سازمانهای کارگران روستایی - تا حدی که متناسب با حوزه عمل آنها باشد - قابل اجرا خواهد بود.
۲. (۱) در حوزه عمل این توصیه‌نامه، اصطلاح "کارگران روستایی" فقط به معنای شخصی است که در کشاورزی، پیشه‌های دستی یا هرگونه شغل دیگری که منحصر به مناطق روستایی باشد، خواه به عنوان مزدبگیر یا، به موجب مفاد زیربند (۲) از این بند، به عنوان شخص خویش فرما مانند اجاره‌دار، سهم بردار، یا مالک - شاغل کوچک مشغول به فعالیت باشد.
- (۲) این توصیه‌نامه فقط شامل حال آن گروه از اجاره‌داران، سهم‌برداران، یا مالکان و شاغلان کوچک می‌شود که درآمد اصلی‌شان از کشاورزی تأمین می‌گردد و شخصاً - به کمک فقط

خانواده‌هایشان یا به کمک موردی نیروی کار بیگانه- به بهره‌برداری از زمین می‌پردازند و به هیچ وجه از مزایای زیر برخوردار نیستند:

- (الف) استخدام مستمر کارگر؛ یا
 (ب) استخدام تعداد زیادی کارگر فصلی؛ یا
 (پ) مالکیت زمینی که به وسیله اجاره‌دار یا کشاورز سهم‌بردار مورد بهره‌برداری قرار گیرد.
- (۳) تمام گروه‌های مختلف کارگران روستایی، اعم از مزدبگیر یا خویش فرما، باید حق داشته باشند، فقط در چارچوب مقررات سازمان مربوطه، بدون مجوز قبلی سازمان مورد انتخاب خود را به وجود بیاورند یا به چنین سازمانی بپیوندند.

دوم. نقش سازمانهای کارگران روستایی

۴. یکی از اهداف سیاستهای ملی مربوط به توسعه روستایی باید عبارت باشد از تسهیل استقرار و رشد داوطلبانه سازمانهای نیرومند و مستقل کارگران روستایی به عنوان وسیله‌ای برای تضمین مشارکت کارگران روستایی در توسعه اقتصادی و اجتماعی و منافع مترتب بر آن، بدون هرگونه تبعیض، چنانکه در مقاله‌نامه مربوط به تبعیض (استخدام و اشتغال)، ۱۹۵۸، آمده است.
۵. چنین سازمانهایی، چنانچه متناسب باشند، باید بتوانند-
- (الف) منافع کارگران روستایی را جامعه عمل پوشانده و از طریق انجام مذاکرات و مشاوره در تمام سطوح آنها را به‌طور جمعی مورد حمایت قرار دهند؛
- (ب) نمایندگی کارگران روستایی را در زمینه فرمول‌بندی، استقرار و ارزیابی طرحهای توسعه روستایی در تمام سطوح و مراحل برنامه‌ریزی ملی عهده‌دار گردند؛
- (پ) گروه‌های مختلف کارگران روستایی را، برحسب منافع هر یک از آنها، فعالانه، و از همان آغاز استقرار برنامه‌های زیر، به مشارکت سوق دهند:
- (۱) برنامه‌های توسعه کشاورزی، از جمله بهبود روشهای تولید، انبارداری، پردازش، حمل و نقل و بازاریابی؛
- (۲) برنامه‌های اصلاحات ارضی، آماده‌سازی اراضی و توسعه اراضی؛
- (۳) برنامه‌های مربوط به تأسیسات عمومی، صنایع روستایی و حرفه‌های روستایی؛
- (۴) برنامه‌های توسعه روستایی، از جمله برنامه‌هایی که با همکاری سازمان ملل متحد، سازمان بین‌المللی کار و دیگر سازمانهای تخصصی به اجرا در می‌آیند؛

(۵) برنامه‌های اطلاعاتی و آموزشی و دیگر فعالیتهایی که در بند ۱۵ این توصیه‌نامه بدانها اشاره شده است.

(ت) پیشبرد و تأمین دستیابی کارگران روستایی به خدماتی همچون اعتبارات، عرضه، بازاریابی، حمل و نقل و همچنین به خدمات تکنولوژیکی؛

(ث) ایفای نقش فعال در بهبود آموزشهای عمومی، و فنی و حرفه‌ای در نواحی روستایی و همچنین در آموزشهای عملی لازم برای توسعه جامعه محلی، یا در آموزشهایی که برای ایجاد تعاونیها و دیگر فعالیتهای سازمانهای کارگران روستایی به عمل می‌آید و نیز آموزشهایی که برای تربیت مدیران این سازمانها ضرورت می‌یابد؛

(ج) مشارکت در بهبود شرایط کار و زندگی کارگران روستایی، از جمله بهداشت و ایمنی کار؛

(چ) پیشبرد عملیات تأمین اجتماعی و خدمات اجتماعی اساسی در زمینه‌هایی چون مسکن، بهداشت، و تفریحات و سرگرمیها.

سوم. وسایل ترغیب رشد سازمانهای کارگران روستایی

۶. به منظور قادر ساختن سازمانهای کارگران روستایی به ایفای نقش خاص خود در توسعه اقتصادی و اجتماعی، کشورهای عضو باید سیاست پرتحرکی را برای ترغیب این سازمانها، به‌ویژه از راههای زیر، انتخاب کنند و به مرحله اجرا بگذارند:

(الف) حذف موانعی که بر سر راه استقرار، رشد، و ادامه فعالیتهای قانونی آنها وجود دارد، و همچنین حذف تبعیضهای قانونی و اداری که ممکن است در مورد سازمانهای کارگران روستایی و اعضای آنها اعمال گردد؛

(ب) تعمیم تسهیلات و امکاناتی که در زمینه تعلیمات فنی و حرفه‌ای برای دیگر سازمانهای کارگری و اعضای آنها وجود دارد، به سازمانهای کارگران روستایی و اعضای آنها؛ و

(پ) قادر ساختن سازمانهای کارگران کشاورزی به ادامه سیاست مشخص در زمینه تأمین منافع و حمایتهای اقتصادی و اجتماعی معین که در حوزه کارگران صنعتی یا، در صورت متناسب بودن، در حوزه دیگر مشاغل غیرصنعتی و کارکنان آنها وجود دارد.

۷. (۱) اصول اساسی آزادی تشکیل اتحادیه باید به‌طور کامل رعایت گردد؛ سازمانهای کارگران کشاورزی باید مستقل و اساساً ارادی باشند و از هرگونه مداخله، اعمال فشار یا سرکوب در امان بمانند.

- (۲) کسب شخصیت حقوقی از طرف سازمانهای کارگران روستایی نباید مشروط به ویژگیهایی باشد که محدودیتی برای کاربست مفاد بند ۳ و زیربند (۱) از این بند به وجود بیاورند.
- (۳) کارگران روستایی و سازمانهای مربوطه آنها، در همان حال که از حقوق مندرج در بند ۳ و این بند بهره‌مند می‌گردند، همانند دیگر اشخاص و تشکلهای محلی، باید قوانین ارضی را محترم بشمارند.
- (۴) قوانین ارضی نباید چنان باشند، یا چنان به اجرا گذاشته شوند، که با تضمینهای منظور شده در بند ۳ و این بند، ناهمساز گردند.

الف. تدابیر اداری و قانونی

۸. (۱) کشورهای عضو باید اطمینان حاصل کنند که قوانین یا مقررات ملی، با توجه به شرایط خاص بخش روستایی، مانعی برای استقرار و رشد سازمانهای کارگران روستایی ایجاد نمی‌کنند.
- (۲) به‌خصوص -
- (الف) اصول اساسی حق ایجاد اتحادیه و مذاکرات جمعی، به‌ویژه طبق مقاله‌نامه حق ایجاد اتحادیه (کشاورزی)، ۱۹۲۱، مقاله‌نامه آزادی تشکیل اتحادیه و حمایت از حق تشکل، ۱۹۴۸، و مقاله‌نامه ناظر بر حق تشکیل اتحادیه و مذاکرات جمعی، ۱۹۴۹، باید از طریق اجرای قوانین یا مقررات عمومی مربوطه، یا از طریق پذیرش قوانین و مقررات خاص، به‌طور کامل به مرحله اجرا گذاشته شوند و در هر حال نیازهای همه گروههای مختلف کارگران روستایی مورد توجه قرار گیرد؛
- (ب) قوانین و مقررات مربوطه باید متناسب با نیازهای خاص مناطق روستایی مورد ترمیم یا تجدیدنظر قرار داده شوند؛ برای مثال -
- (۱) شرایط موجود در مورد حداقل عضو، حداقل سطح معلومات و حداقل منابع مالی نباید در مناطق روستایی که معمولاً دارای جمعیت‌هایی پراکنده، آموزش‌ندیده و فقیر هستند موانعی در راه توسعه سازمانهای کارگران روستایی به وجود آورند.
- (۲) مسائلی که ممکن است در ارتباط با دستیابی سازمانهای کارگران روستایی به اعضایشان پدید آید، باید به طریقی حل و فصل شوند که حقوق همه اشخاص ذی‌نفع رعایت شده باشد و در این زمینه توجه به "مفاد مقاله‌نامه آزادی تشکیل اتحادیه و حمایت از حق

تشکل"، ۱۹۴۸، و همچنین "مقاوله‌نامه ناظر بر نمایندگان کارگران"، ۱۹۷۱، ضرورت می‌یابد.

(۳) کارگران روستایی مربوطه باید در برابر عزل یا اخراج، به مناسبت موقعیت شخصی یا فعالیت‌های آنان به عنوان رئیس یا عضو سازمان‌های کارگران روستایی، مورد حمایت مؤثر قرار گیرند.

۹. برای تضمین استقرار مؤثر قوانین و مقررات مربوط به سازمان‌های کارگران روستایی و اعضای آنها باید تدابیر مقتضی، خواه به صورت بازرسی کار یا خدمات ویژه، خواه به صورت‌های دیگر، اتخاذ گردد.

۱۰. (۱) هر کجا که کارگران روستایی قادر نباشند، در شرایط موجود، ابتکار عمل را در تشکیل سازمان‌های خاص خود به دست گیرند، سازمان‌های موجود را باید تشویق کرد که راهنمایی‌ها و کمک‌های لازم را در جهت تأمین منافع کارگران روستایی به آنها عرضه دارند.

(۲) در صورت لزوم، این‌گونه کمک‌ها را می‌توان، بر اساس تقاضای کارگران روستایی، از طریق مؤسسات مشاوره‌محیز به کارشناسان حقوقی و فنی صلاحیت‌دار به آنها عرضه داشت و در صورت اقتضا دوره‌های آموزشی ویژه‌ای نیز برای آنان ترتیب داد.

۱۱. تدابیر مناسب باید اتخاذ گردد تا مشاوره‌ها و گفتگوهای مؤثر با سازمان‌های کارگران روستایی در تمام زمینه‌های مرتبط با شرایط کار و زندگی در مناطق روستایی به عمل آید.

۱۲. (۱) در ارتباط با فرمول‌بندی و، در صورت لزوم، اجرای برنامه‌ها و طرح‌های اقتصادی و اجتماعی یا هرگونه اقدام عمومی دیگری در زمینه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناطق روستایی، سازمان‌های کارگران روستایی را باید در راه و روش‌های برنامه‌ریزی و همچنین در دستگاه‌های مسئول، مانند هیئت‌ها و کمیته‌های قانونی، سازمان‌های مسئول توسعه و شوراهای اقتصادی و اجتماعی مشارکت داد.

(۲) به‌ویژه، تدابیر مناسب باید اتخاذ شود تا مشارکت مؤثر چنین سازمان‌هایی در فرمول‌بندی، استقرار، و ارزیابی برنامه‌های اصلاحات ارضی ممکن گردد.

۱۳. کشورهای عضو باید مشوق استقرار روش‌ها و نهادهایی باشند که تماس‌های بین سازمان‌های کارگران روستایی، کارفرمایان و سازمان‌های آنان و مقامات صلاحیت‌دار را تقویت کنند.

ب. اطلاعات همگانی

۱۴. گام‌های مقتضی، به‌خصوص از سوی مقامات صلاحیت‌دار، باید برای پیشبرد اهداف زیربرداشته شود—

(الف) درک بهتر مسئولان مستقیم، مانند مقامات مرکزی و محلی و همچنین کارفرمایان و مالکان روستایی از مشارکت مؤثر سازمانهای کارگران روستایی در افزایش و بهبود توزیع درآمد ملی، در افزایش فرصتهای اشتغال مولد و درآمدزا در بخش روستایی، در بالا رفتن سطح کلی آموزشها و تعلیمات حرفه‌ای گروههای مختلف کارگران روستایی و در بهبود شرایط کلی کار و زندگی در مناطق روستایی؛

(ب) درک بهتر مردم عادی، به‌خصوص مردم فعال در بخشهای غیرروستایی اقتصاد، از اهمیت حفظ تعادل بین توسعه روستایی و توسعه شهری و همچنین از ضرورت گسترش سازمانهای کارگران روستایی برای ایجاد تعادل مذکور.

۱۵. این گامها ممکن است شامل موارد زیر باشد-

(الف) حرکت‌های وسیع اطلاع‌رسانی و آموزشی، خاصه به منظور ارائه اطلاعات عملی و کامل به کارگران روستایی در مورد حقوق‌شان به نحوی که بتوانند در موارد مقتضی از آنها استفاده کنند؛

(ب) برنامه‌های رادیویی، تلویزیونی و سینمایی، و مقالات توضیحی متناوب در مطبوعات ملی و محلی برای تشریح شرایط زندگی و کار در مناطق روستایی و توضیح اهداف سازمانهای کارگران روستایی و نتایج به‌دست آمده از فعالیتهای آنها؛

(۱) سازماندهی سمینارها و همایشهای محلی با شرکت نمایندگان گروههای مختلف کارگران روستایی، کارفرمایان و مالکان، دیگر بخشهای جمعیت، و مقامات محلی؛

(ت) سازماندهی بازدید از مناطق روستایی برای روزنامه‌نگاران، نمایندگان کارفرمایان و کارگران بخشهای صنعت یا خدمات، دانشجویان دانشگاهها و مدارس در معیت استادان و معلمان‌شان، و دیگر نمایندگان بخشهای گوناگون جمعیت؛

(ث) آماده‌سازی برنامه‌های آموزشی مناسب برای انواع و سطوح مختلف مدارس به نحوی که بازتابهای درستی از مسائل تولید کشاورزی و زندگی کارگران روستایی به‌دست دهند.

پ. آموزشهای عمومی و تعلیمات حرفه‌ای

۱۶. به منظور تأمین رشد سالم سازمانهای کارگران روستایی و برآورد سریع نقش کلی آنها در توسعه اقتصادی و اجتماعی، گامهایی باید از سوی مقامات صلاحیت‌دار برداشته شود که از جمله مهمترین آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد-

(الف) آشناساختن مدیران و اعضای سازمانهای کارگران روستایی با-

(۱) قوانین و مقررات ملی و استانداردهای بین‌المللی در زمینه‌هایی که مستقیماً با فعالیت سازمانها ارتباط دارند، به‌خصوص حق تشکیل اتحادیه؛

(۲) اصول اساسی استقرار و فعالیت سازمانهای کارگران روستایی؛

(۳) مسائل مربوط به توسعه روستایی به عنوان بخشی از توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور، شامل تولید کشاورزی و صنایع پیشه‌ورانه، انبارداری، پردازش، حمل‌ونقل، بازاریابی و مبادلات بازرگانی؛

(۴) اصول و روشهای برنامه‌ریزی ملی در سطوح مختلف؛

(۵) برنامه‌ها و کتابهای درسی که به وسیله سازمان ملل، سازمان بین‌المللی کار یا دیگر سازمانهای تخصصی به منظور ارائه آموزشهای عمومی و تعلیمات حرفه‌ای لازم به کارگران روستایی تهیه یا منتشر شده است.

(ب) بهبود و تقویت آموزش کارگران روستایی در زمینه‌های عمومی، فنی، اقتصادی و اجتماعی به نحوی که هم بهتر بتوانند سازمانهای خود را توسعه دهند و هم درک روشن‌تری از حقوق خود و مشارکت فعالانه در توسعه روستایی به دست آورند؛ در این زمینه باید توجه ویژه‌ای به آموزشهای حرفه‌ای کارگران بی‌سواد یا کم‌سواد مبذول گردد، و این کار را می‌توان از طریق برنامه‌های سوادآموزی مرتبط با فعالیتهای عملی‌شان انجام داد؛

(پ) پیشبرد برنامه‌هایی که بتوانند نقش زنان را در جامعه روستایی محلی آشکار سازند. این‌گونه برنامه‌ها را می‌توان از طریق ادغام آنها در برنامه‌های آموزش عمومی یا حرفه‌ای ارائه کرد، خاصه آنکه زنان و مردان باید از امکانات مساوی برای استفاده از آموزشهای عمومی و حرفه‌ای برخوردار باشند؛

(ت) ارائه آموزشهای لازم به مریبان و آموزشگران کارگران روستایی به نحوی که قادر باشند، به‌عنوان مثال، در توسعه تعاونیها و دیگر اشکال مناسب فعالیتهای خدماتی بکوشند، زیرا چنین فعالیتهایی سازمانها را قادر خواهد ساخت که مستقیماً پاسخگوی نیازهای اعضای خود باشند و در عین حال استقلال خود را از طریق خود-اتکایی اقتصادی تقویت کنند؛

(ث) پشتیبانی از برنامه‌هایی که به‌طورکلی برای اعتلای جوانان روستایی به اجرا در می‌آید.

(۱) به‌عنوان وسیله مؤثری برای تدارک برنامه‌های آموزشی و تعلیماتی مندرج در بند ۱۶،

برنامه‌های ویژه آموزش کارگران یا آموزش بزرگسالان، متناسب با شرایط ملی و محلی و همچنین سازگار با نیازهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی گروههای گوناگون کارگران

روستایی، از جمله نیازهای ویژه زنان و جوانان، باید تهیه شود و به مرحله عمل درآید.

(۲) با توجه به اطلاعات و تجربیات جنبشهای سندیکایی و سازمانهای موجود کارگران روستایی، می توان آنها را از نزدیک در فرمول بندی و اجرای چنین برنامه هایی سهیم ساخت.

ت. کمکهای مالی و مادی

۱۸. (۱) چنانچه سازمانهای کارگران روستایی، به خصوص در مراحل آغازین توسعه خود، به کمکهای مالی و مادی نیاز پیدا کنند- مثلاً برای اجرای برنامه های آموزشی و تعلیماتی خود- و بتوانند این کمکها را به نحوی دریافت دارند، طرز دریافت شان باید به گونه ای باشد که استقلال و منافع خود و اعضای شان به طور کامل محفوظ بماند. این گونه کمکها باید مکمل ابتکارات و تلاشهای کارگران روستایی برای تأمین هزینه سازمانهای خودشان باشد.

(۲) اصول پیشگفته در تمام موارد کمکهای مالی و مادی، از جمله در مواردی که سیاست یک کشور عضو اقتضا کند که چنین کمکهایی را خود برعهده بگیرد، مصداق می یابد.

سند سوم

مقاله نامه شماره ۱۵۷

استقرار نظام بین المللی نگاهداشت حقوق در

زمینه تأمین اجتماعی*

کنفرانس عمومی سازمان بین المللی کار، که به دعوت هیأت مدیره دفتر بین المللی کار سی و هشتمین نشست خود را در دوم ژوئن ۱۹۸۲ بر پا کرده است، با یادآوری اصول مندرج در مقاله نامه مربوط به برابری حقوق (تأمین اجتماعی)، ۱۹۶۲، که نه فقط برابری

* این مقاله نامه از ۱۱ سپتامبر ۱۹۸۶ قدرت قانونی یافت.

کلی حقوق، بلکه نگاهداشت حقوق کسب‌شده قبلی و نیز حقوق در جریان اکتساب را هم مورد تأیید قرار می‌داد، و

با توجه به ضرورت کاربرد اصول نگاهداشت حقوق در جریان اکتساب و حقوق کسب‌شده قبلی در تمام شاخه‌های تأمین اجتماعی که زیر پوشش "مقاله‌نامه تأمین اجتماعی" ۱۹۵۲ قرار دارند (استانداردهای حداقل)،

ضمن تصمیم‌گیری درباره پذیرش بعضی پیشنهادات مربوط به نگاهداشت حقوق کارگران مهاجر در زمینه تأمین اجتماعی (تجدیدنظر در مقاله‌نامه شماره ۴۸)، که چهارمین موضوع دستور کار نشست فوق‌الذکر بود، و

با تأکید بر این امر که پیشنهادات مذکور باید به صورت یک مقاله‌نامه بین‌المللی درآیند، به تاریخ امروز بیست و یکم ماه ژوئن سال یکهزار و نهصد و هشتاد و دو، مقاله‌نامه زیر را که می‌توان آن را "مقاله‌نامه نگاهداشت حقوق در زمینه تأمین اجتماعی، ۱۹۸۲" نامید، مورد تصویب قرار می‌دهد:

بخش اول. شرایط عمومی

ماده ۱

در این مقاله‌نامه -

(الف) اصطلاح «عضو» به معنای هر یک از اعضای سازمان بین‌المللی کار است که خود را نسبت به مقاله‌نامه متعهد بداند؛

(ب) اصطلاح «قوانین» مشتمل بر هر نوع مقررات، قواعد، یا قوانین مربوط به تأمین اجتماعی است؛

(پ) اصطلاح «عضو صلاحیت‌دار» به معنای عضوی است که تحت قوانین آن شخص مربوطه بتواند مدعی بهره‌مندی از مزایای موجود باشد؛

(ت) اصطلاح «نهاد» به معنای سازمان یا مرجعی است که مستقیماً مسئول اجرای تمام یا بخشی از قوانین یک عضو معین باشد؛

(ث) اصطلاح «پناهنده» به همان معنایی است که در ماده ۱ مقاله‌نامه مربوط به وضع قانونی پناهندگان (۲۸ ژوئیه ۱۹۵۱) و نیز در بند ۲ ماده ۱ پروتکل مربوط به وضع پناهندگان، ۳۱ ژانویه ۱۹۶۷، آمده است.

(ج) اصطلاح «اعضای خانواده» به معنای اشخاصی است که از سوی قوانین ناظر بر دریافت مزایا و

کمک هزینه‌های اجتماعی به عنوان اعضای خانوار تعیین یا به رسمیت شناخته شده‌اند، یا اشخاص که به موجب توافق مشترک اعضای مربوطه به عنوان عضو خانواده پذیرفته شده‌اند؛ در این حالت، اشخاص فقط به شرطی عضو خانواده یا عضو خانوار شناخته می‌شوند که با شخص مربوطه در یک‌جا زندگی کنند. این شرط در مورد اشخاصی هم که زندگی‌شان را شخص مربوطه تأمین می‌کند مصداق می‌یابد.

(ح) اصطلاح «بازماندگان» به معنای اشخاصی است که از سوی قوانین ناظر بر تخصیص مزایا به عنوان «بازماندگان» تعیین یا پذیرفته شده‌اند؛ این اشخاص فقط در صورتی مورد تأیید قرار خواهند گرفت که ثابت کنند با متوفی در یک‌جا زندگی می‌کرده‌اند. این شرط در مورد اشخاصی هم که متوفی تنها پشتیبانی زندگی آنها بوده است مصداق می‌یابد.

(خ) اصطلاح «محل اقامت» به معنای محل اقامت معمولی است.

(د) اصطلاح «اقامت موقت» به معنای نوعی اقامت کوتاه مدت است.

(ذ) اصطلاح «دوره‌های بیمه» به معنای دوره‌های پرداخت حق بیمه، اشتغال، فعالیت حرفه‌ای یا اقامت است که از سوی قوانین مربوطه تعیین یا به رسمیت شناخته شده باشد، و همچنین دوره‌های زمانی دیگری که از سوی قوانین مربوطه به عنوان معادل دوره بیمه شناخته شود.

(ر) اصطلاحهای «دوره اشتغال» و «دوره فعالیت حرفه‌ای» به معنای دوره‌هایی است که از سوی قوانین مربوطه به رسمیت شناخته شده باشد، و همچنین دوره‌های زمانی دیگری که از سوی قوانین مربوطه به عنوان معادل دوره اشتغال یا دوره فعالیت حرفه‌ای شناخته شده باشد.

(ز) اصطلاح «دوره اقامت» به معنای دوره‌ای است که از سوی قوانین مربوطه به رسمیت شناخته شده باشد.

(ژ) اصطلاح «غیرمشارکتی» در مورد مزایایی به کار می‌رود که اعطای آنها مشروط به مشارکت مالی مستقیم شخص حمایت شده یا کارفرمای او، یا انجام یک دوره معین فعالیت حرفه‌ای، نیست، و هرگونه طرح دیگری را هم که مزایایی منحصرأ به این صورت داشته باشد شامل می‌گردد.

(س) اصطلاح «مزایای اعطایی در موارد خاص» دربرگیرنده مزایایی است که از تاریخ شمول قوانین مربوط به اشخاص مسن‌تر از یک سن معین تعلق می‌گیرد. این گونه مزایا به مناسبت بعضی رویدادها یا دوره‌هایی که شخص مشمول در خارج از مرزهای رسمی سرزمین یک عضو معین گذرانده است نیز اعطا می‌شود.

ماده ۲

۱. به موجب مفاد بند ۱ و بند ۳، زیربند (الف) از ماده ۴، این مقاله نامه در مورد آن بخش از شاخه های تأمین اجتماعی زیر که کشور عضو قوانینی برای آنها وضع کرده باشد، کاربرد می یابد:

(الف) مراقبتهای پزشکی؛

(ب) مزایای بیماری؛

(پ) مزایای حاملگی؛

(ت) مزایای نقص عضو؛

(ث) مزایای سالخوردهگی؛

(ج) مزایای «بازماندگان»؛

(چ) مزایای آسیبهای شغلی، به معنای مزایایی که به مناسبت آسیبهای و بیماریهای حرفه ای تعلق می گیرد؛

(ح) مزایای بیکاری؛ و

(خ) مزایای خانواده.

۲. این مقاله نامه مزایای توانبخشی ناشی از قوانین مربوط به هر یک از شاخه های تأمین اجتماعی مندرج در بند ۱ این ماده را نیز در برمی گیرد.

۳. حوزه عمل این مقاله نامه تمام طرحهای تأمین اجتماعی عمومی و اختصاصی، اعم از مشارکتی و غیرمشارکتی، و همچنین طرحهای مربوط به تعهدات قانونی کارفرمایان در زمینه هر یک از شاخه های تأمین اجتماعی مورد اشاره در بند ۱ این ماده را نیز در برمی گیرد.

۴. این مقاله نامه شامل طرحهای اختصاصی کارمندان دولت، طرحهای اختصاصی قربانیان جنگ، یا طرحهای مربوط به خدمات اجتماعی و پزشکی نمی شود.

ماده ۳

۱. به موجب مفاد بند ۱ و بند ۳، زیر بند (ب) از ماده ۴ و بند ۱ از ماده ۹، این مقاله نامه اشخاصی را که مشمول قوانین یک یا چند عضو بوده یا هستند، و همچنین اعضای خانواده و بازماندگان آنها را نیز، در تمام مواردی که مقاله نامه "نظام بین المللی نگاهداشت حقوق" رعایت قوانین یک عضو را لازم می شمرد، در برمی گیرد، حتی اگر این عضو غیر از عضوی باشد که شخص مربوطه ساکن دائمی یا موقت سرزمین آن است.

۲. این مقاله‌نامه مستلزم آن نیست که هر یک از اعضا مفاد آن را در مورد اشخاصی که، به موجب معاهدات بین‌المللی از پیروی از قوانین آن عضو معاف باشند، به مرحله اجرا در آورد.

ماده ۴

۱. اعضا می‌توانند تعهدات مرتبط با بخشهای ۲ تا ۶ این مقاله‌نامه را به وسیله مبادله اسناد دوجانبه یا چند جانبه به مرحله اجرا در آورند، مشروط بر آن که موافقت قبلی دیگر اعضای مربوطه را نیز کسب کرده باشند.

۲. به‌رغم مفاد بند ۱ این ماده، مفاد بند ۴ ماده ۷، مفاد بندهای ۲ و ۳ ماده ۸، مفاد بندهای ۱ و ۴ ماده ۹، مفاد ماده ۱۱، مفاد ماده ۱۲، مفاد ماده ۱۴ و بند ۳ از ماده ۱۸ این مقاله‌نامه باید بی‌درنگ توسط هر یک از اعضا، به مجرد تنفیذ آن به وسیله کشور عضو، به مرحله اجرا گذاشته شود.

۳. اسناد مورد اشاره در بند ۱ این ماده باید به ویژه موارد زیر را مشخص سازند:

- (الف) شاخه‌های تأمین اجتماعی مورد عمل، با توجه به الزام معامله به مثل مورد اشاره در مواد ۶ و ۱۰ این مقاله‌نامه. شاخه‌های مورد عمل، در هر کجا که اعضای مربوطه دارای قوانینی مرتبط با آنها باشند، باید لااقل مزایای نقص عضو، مزایای سالخوردگی، مزایای بازماندگی و مستمریهای مربوط به آسیبهای شغلی، شامل غرامتهای مرگ و میر و همچنین، به موجب مفاد بند ۱ از ماده ۱۰ این مقاله‌نامه، شامل مراقبتهای پزشکی، مزایای بیماری، مزایای بارداری و مزایای مرتبط با آسیبهای شغلی، بجز مستمریها و غرامات مرگ و میر، را در برداشته باشند؛
- (ب) گروه‌بندی اشخاصی که مزایای فوق‌الذکر شامل آنها می‌شود. این گروه‌بندی باید حداقل مشتمل باشد بر کارکنان (از جمله کارگران مرزی، کارگران فصلی)، و همچنین اعضای خانواده‌های آنان و بازماندگان آنها، که تابعیت یکی از اعضای مربوطه را داشته باشند یا به صورت پناهنده یا افراد فاقد تابعیت در یکی از کشورهای عضو مقیم باشند؛
- (پ) ترتیب بازپرداخت مزایا و دیگر هزینه‌هایی که نهادهای مربوطه یک عضو از طرف نهاد مربوطه عضو دیگر پرداخت می‌نماید، مگر آنکه توافق شده باشد که بازپرداختی در بین نخواهد بود؛
- (ت) مقررات لازم برای پیش‌گیری از پرداختهای چندگانه و بی‌مورد حق بیمه و دیگر تعهدات یا مزایا.

بخش دوم. قوانین و مقررات اجرایی

ماده ۵

۱. قوانین و مقررات اجرایی مربوط به اشخاص تحت پوشش این مقاوله نامه باید با توافق مشترک اعضای مربوطه به نحوی تدوین گردد که از تعارض قوانین و پیامدهای ناخواسته برای اشخاص مورد نظر، خواه از طریق فقدان حمایت، خواه از طریق پرداخت چندگانه و بی مورد حق بیمه و دیگر تعهدات یا مزایا پیش گیری به عمل آید. برای این مقصود مقررات زیر کار ساز خواهد بود:

(الف) کارکنانی که به طور عادی در سرزمین یکی از اعضا به کار گماشته می شدند باید تابع قوانین آن عضو باشند، حتی اگر در سرزمین یک عضو دیگر اقامت داشته باشند، یا کارفرمای آنها در سرزمین یک عضو دیگر اقامت داشته باشد، یا مرکز رسمی مؤسسه ای که آنها را استخدام کرده است در سرزمین یک عضو دیگر باشد؛

(ب) اشخاص خویش فرما که به طور معمول در سرزمین یک عضو به کار مشغول می شوند باید تابع قوانین آن عضو باشند، حتی اگر در سرزمین یک عضو دیگر سکونت داشته باشند؛

(پ) کارکنان و افراد خویش فرمایی که در روی یک کشتی یا پرچم یکی از کشورهای عضو به کار مشغول باشند باید مشمول قوانین آن عضو باشند، حتی اگر در سرزمین یک عضو دیگر سکونت داشته باشند یا مرکز رسمی مؤسسه استخدام کننده آنها یا محل اقامت کارفرمای آنها در سرزمین یک عضو دیگر باشد؛

(ت) اشخاصی که جزو جمعیت فعال محسوب نمی شوند، در صورتی که به موجب زیر بندهای (الف) تا (پ) این بند مورد حمایت قرار نمی گیرند، باید مشمول قوانین عضوی باشند که در سرزمین او اقامت دارند.

۲. به رغم مفاد زیر بندهای (الف) تا (پ) از بند ۱ این ماده، اعضای مربوطه ممکن است توافق کنند که بعضی گروه ها، به خصوص اشخاص خویش فرما، قاعدتاً باید مشمول قوانین عضوی واقع شوند که در سرزمین او سکونت دارند.

۳. اعضای مربوطه ممکن است به طور مشترک استثنای دیگری بر مقررات مطرح شده در بند ۱ این ماده، به نفع اشخاص معینی، قائل شوند.

بخش سوم. نگاهداشت حقوق در جریان اکتساب

ماده ۶

به موجب مفاد بند ۳، زیربند (الف)، از ماده ۴ این مقاله نامه، هر یک از اعضا باید کوشش به خرج دهد تا با دیگر اعضای مربوطه در طرحهای مرتبط با نگاهداشت حقوق در جریان اکتساب مشارکت جوید، از جمله در طرحهای مرتبط با هر یک از شاخه‌های تأمین اجتماعی یاد شده در بند ۱ از ماده ۲ این مقاله نامه که یکی از اعضا برای آنها دارای قوانینی به نفع اشخاص باشد که به طور متوالی یا متناوب از مزایای آن قوانین بهره‌مند می‌شده‌اند.

ماده ۷

۱. طرحهای مرتبط با نگاهداشت حقوق در جریان اکتساب که در ماده ۶ این مقاله نامه بدانها اشاره شده است، باید موجبات آن را فراهم سازند که، تا حد نیاز، افزایش تراکمی دوره‌های بیمه، اشتغال، فعالیتهای حرفه‌ای یا اقامت، در چارچوب قوانین اعضای مربوطه، برای مقاصد زیر ممکن گردد:

(الف) مشارکت در بیمه اختیاری یا بیمه‌گزینش مداوم، در صورت لزوم؛

(ب) کسب، نگاهداشت یا بازگردانی حقوق و، در صورت لزوم، برآورد مزایا؛

۲. دوره‌هایی که به‌طور همزمان تحت قوانین دو یا چند عضو تحقق یافته‌اند فقط یک‌بار به حساب خواهند آمد.

۳. اعضای مربوطه باید، در صورت لزوم، با توافق مشترک ترتیبات ویژه‌ای را برای افزایش تراکمی دوره‌هایی که از نظر ماهوی متفاوت هستند یا دوره‌هایی که بالقوه مشمول بهره‌مند شدن از مزایای بعضی طرحهای ویژه‌اند، فراهم آورند.

۴. هرگاه شخصی دوره‌های معینی را تحت قوانین سه عضو یا بیشتر به انجام رسانده باشند و این اعضا در بعضی اسناد دوجانبه یا چندجانبه مشارکت داشته باشند، هر عضوی که به‌طور همزمان نسبت به دو یا چند فقره از اسناد مورد بحث متعهد باشد باید دوره‌های مربوطه را، تا حد لازم، در چارچوب مفاد این اسناد، به قصد کسب، نگاهداشت یا بازگردانی حقوق یا مزایای اشخاص مربوطه به یکدیگر بیفزاید.

ماده ۸

۱. طرحهای مرتبط با نگاهداشت حقوق در جریان اکتساب که در ماده ۶ این مقاله نامه بدانها اشاره شده

است، باید فرمولهای پرداخت مزایا را برای موارد زیر معین و مشخص کنند:

(الف) نقص عضو، سالخوردگی، بازماندگان، و

(ب) مستمریهای مربوطه به بیماریهای شغلی،

و در موقع مقتضی، هزینههای مربوطه را هم برآورد نمایند.

۲. در مورد مفاد بند ۴ ماده ۷ این مقاله نامه، هر یک از اعضا که به طور همزمان نسبت به دو یا چند سند

مورد بحث متعهد است باید به مفاد این اسناد، به قصد محاسبه مزایایی که در قوانین خودش حقی

برای آنها قائل شده است، عمل کند، و دوره‌های مورد نظر را مطابق با قوانین اعضای مربوطه به

یکدیگر بیفزاید.

۳. در شرایطی که در اجرای مفاد بند ۲ این ماده یکی از اعضا ناچار باشد به موجب دو یا چند سند

دوجانبه یا چندجانبه مزایای مشابهی را به شخص معینی پرداخت نماید، آن عضو باید فقط

مرجع‌ترین آن مزایا را، به صورتی که در آئین‌نامه اصلی پرداخت آن حق معین شده است، به شخص

مربوطه تخصیص دهد.

۴. به رغم مفاد بند ۲ همین ماده اعضای مربوطه ممکن است، در صورت لزوم، اضافاتی با توافق

همگانی برای محاسبه مزایای ذکر شده در آن بند در نظر بگیرند.

بخش چهارم. نگاهداشت حقوق و مزایای کسب شده در خارج

ماده ۹

۱. هر یک از اعضا باید پرداخت مزایای نقدی نقص عضو، سالخوردگی، بازماندگان، و مستمریهای

مربوطه به آسیبهای شغلی و غرامت مرگ و میرهای حرفه‌ای را، اگر در قوانین آن عضو حقوقی برایشان

منظور شده باشد، چه در مورد افراد تحت تابعیت آن عضو و چه برای پناهندگان و افراد فاقد تابعیت،

صرف‌نظر از محل اقامت آنها، تضمین کند، مشروط بر آنکه، در صورت لزوم، اقدامات لازم برای این

منظور از طریق موافقت‌نامه بین اعضا یا با دولتهای مربوطه به عمل آید.

۲. به رغم مفاد بند ۱ همین ماده، اعضای مربوطه‌ای که در طرحهای مرتبط با نگاهداشت حقوق در

جریان اکتساب، موضوع ماده ۶ این مقاله نامه، مشارکت دارند ممکن است توافق کنند که پرداخت

مزایای یادشده در بند پیشگفته را به حائزین شرایط ساکن در سرزمین عضو دیگری سوای عضو صلاحیت‌دار، در چارچوب توافقات دوجانبه یا چندجانبه یادشده در بند ۱ ماده ۴ این مقاله‌نامه، تضمین کنند.

۳. علاوه بر این، به‌رغم مفاد بند ۱ همین ماده، در مورد مزایای غیرمشارکتی، اعضای مربوطه باید به توافق مشترک معین کنند که پرداخت این مزایا به افراد ذی‌نفع ساکن کشور دیگری بجز کشور عضو صلاحیت‌دار در تحت چه شرایطی باید تضمین شود.

۴. رعایت مفاد بندهای ۱، ۲ و ۳ همین ماده در موارد زیر لازم نیست:

(الف) مزایای غیرمشارکتی ویژه که به عنوان کمک مالی یا در موارد نیاز پرداخت می‌شود؛

(ب) مزایایی که به موجب طرحهای موقت پرداخت می‌شود.

ماده ۱۰

۱. اعضای مربوطه باید برای نگاهداشت حقوق کسب‌شده در چارچوب قوانین خود در طرحهای لازم مشارکت جویند و مفاد بخش سوم این مقاله‌نامه را در مورد هر یک از شاخه‌های تأمین اجتماعی زیر که این اعضا در مورد آنها دارای قوانین مصوب هستند رعایت کنند: مراقبتهای پزشکی، مزایای بیماری، مزایای بارداری و مزایای مرتبط با آسیبهای شغلی، سوای مستمریها و غرامتهای مرگ و میر. این طرحها باید تضمین‌کننده چنین مزایایی برای اشخاص مقیم یا ساکن موقت سرزمین یکی از اعضا، سوای سرزمین عضو صلاحیت‌دار، باشند، مشروط بر آنکه حد و حدود آنها به وسیله موافقت‌نامه‌های مشترک بین اعضای مربوطه معین شود.

۲. هنگامی که همکاری متقابل مورد نیاز برای اجرای بند ۱ این ماده به وسیله قوانین موجود تأمین نشده باشد، کشور عضو می‌تواند براساس قوانین مربوطه یک عضو دیگر پرداخت مزایای مورد نظر را تضمین کند، مشروط بر آنکه اقدامات لازم را برای کسب موافقت آن عضو به عمل بیاورد.

۳. اعضای مربوطه باید برای نگاهداشت حقوق کسب شده در چارچوب قوانین خود در طرحهای لازم مشارکت جویند و مفاد بخش سوم این مقاله‌نامه را در مورد هر یک از شاخه‌های تأمین اجتماعی زیر که این اعضا در مورد آنها دارای قوانین مصوب هستند رعایت کنند: مزایای بیکاری، مزایای خانواده و، به‌رغم مفاد بند ۱ ماده ۹ این مقاله‌نامه و بند ۱ همین ماده، مزایای توانبخشی.

این طرحها باید تضمین‌کننده چنین مزایایی برای اشخاص مقیم سرزمین یکی از این اعضا سوای سرزمین عضو صلاحیت‌دار باشند، مشروط و محدود به آنکه به وسیله موافقت‌نامه مشترکی بین اعضا معین شوند.

ماده ۱۱

مقرراتی که برای تنظیم و تطبیق مزایای منظور شده در قوانین یک عضو وضع شده است باید در مورد مزایایی هم که براساس مفاد این مقاله نامه پرداخت خواهد شد قابل اجرا باشد.

بخش پنجم. کمکهای اداری و کمک به اشخاص زیرپوشش این مقاله نامه

ماده ۱۲

۱. مقامات و نهادهای اعضا باید با کمک یکدیگر به تسهیل کاربرد این مقاله نامه و همچنین به اجرای قوانین خاص خود بپردازند.
۲. به طور اصولی، کمکهای اداری این مقامات و نهادها به یکدیگر باید رایگان باشد. اعضا ممکن است برای بازپرداخت بعضی از هزینه‌ها توافقهایی به عمل بیاورند.
۳. مقامات، نهادها و سازمانهای قضایی یک عضو نباید مطالبات یا دیگر اسناد و مدارک ارائه شده به آنها را به دلیل نوشته شدن به زبان رسمی یک عضو دیگر غیرقابل دریافت بشمارند.

ماده ۱۳

۱. هرگاه شخص متقاضی مقیم سرزمین عضوی سواى سرزمین عضو صلاحیت دار باشد، می تواند تقاضای خود را به نهاد مربوطه محل اقامت خود تسلیم دارد، و نهاد مذکور باید تقاضای او را به نهاد یا نهادهای موردنظر در تقاضانامه ارسال دارد.
۲. هر نوع تقاضا، اظهارنامه یا دادخواست معتبر که باید، به موجب قوانین یکی از اعضا، در ظرف مدت معینی به یکی از مقامات، نهادها، یا مراجع قضایی آن عضو تسلیم شود، اگر در ظرف مدت مذکور به یکی از مقامات، نهادها یا مراجع قضایی عضو دیگری که شخص متقاضی در سرزمین او اقامت دارد تسلیم گردد باید به طور عادی پذیرفته شود. در چنین حالتی، مقام، نهاد، یا مرجع قضایی خاصی که تقاضا، اظهارنامه یا دادخواست را دریافت داشته است باید آن را بدون تأخیر به مقام، نهاد یا مرجع قضایی عضو نخست برساند. تاریخ تسلیم تقاضا، اظهارنامه یا دادخواست به مقام، نهاد یا مرجع قضایی عضو دوم باید در هر حال به عنوان تاریخ رسمی تسلیم آن سند به مقام، نهاد یا مرجع قضایی صالح برای رسیدگی به آن پذیرفته شود.
۳. مزایایی که باید از طرف یک عضو به شخص ذی نفعی که به طور دائم یا موقت در سرزمین

یک عضو دیگر اقامت دارد پرداخته شود ممکن است مستقیماً از سوی نهاد مسئول پرداخت شود، یا با واسطه نهادی که از طرف عضو دوم تعیین می‌شود در همان محل اقامت دائمی یا موقت او به وی پرداخت خواهد شد، مشروط بر آنکه توافقات قبلی بین اعضای مربوطه به عمل آمده باشد.

ماده ۱۴

هریک از کشورهای عضو باید برای کمک به اشخاص تحت پوشش این مقاله‌نامه به توسعه خدمات اجتماعی خود همت گمارد، به‌ویژه در مورد کارگران مهاجر به هنگام مذاکره و رجوع به مقامات، نهادها و مراجع قضایی، خاصه در زمینه تخصیص و دریافت مزایای قانونی آنها و اعمال حقوق قانونی آنها برای ارائه دادخواست، و همچنین به منظور اعتلای رفاه شخصی و خانوادگی آنان.

بخش ششم. مسائل متفرقه

ماده ۱۵

به استثنای مزایای نقص عضو، سالخوردگی و بازماندگان و مزایای مربوط به بیماریهای شغلی، که هزینه‌های آن میان دو یا چند عضو تقسیم می‌شود، این مقاله‌نامه نباید وسیله اعطا یا نگاهداشت حق دریافت چندباره مزایایی باشد که ماهیتی یکسان دارند و برای یک دوره معین بیمه اجباری، اشتغال، فعالیت حرفه‌ای یا اقامت پرداخت می‌شوند.

ماده ۱۶

۱. مزایای پرداختی و دیگر هزینه‌هایی که یکی از نهادهای عضو معینی از طرف نهاد متناظر یک عضو دیگر متحمل می‌شود باید براساس روشهایی که به موجب توافقاتی مشترک اعضا پذیرفته شده است، مسترد گردد، مگر آنکه توافق کرده باشند باز پرداختی در کار نخواهد بود.
۲. نقل و انتقال مبالغی که در اجرای این مقاله‌نامه مبادله خواهند شد، در صورت لزوم، در چارچوب توافقاتی موجود بین اعضای مربوطه در زمان انتقال انجام خواهد گرفت. چنانچه توافقاتی مربوطه وجود نداشته باشد، ترتیبات لازم باید بین اعضا برقرار گردد.

ماده ۱۷

۱. اعضا ممکن است از طریق ترتیبات معینی در چارچوب موافقت‌نامه‌های دوجانبه یا چندجانبه بین دو یا چند عضو از شمول این مقاله‌نامه برکنار بمانند، مشروط بر آنکه آسیبی به حقوق و تعهدات دیگر اعضا وارد نیاید و نگاهداشت حقوق به ترتیبی متحقق گردد که، در مجموع، لاقبل به اندازه مفاد این مقاله‌نامه مؤثر واقع شود.

۲. رفتار هر عضو هنگامی از نظر مفاد بند ۱ ماده ۹ و ماده ۱۱ این مقاله‌نامه رضایت‌بخش محسوب می‌گردد که:

(الف) در تاریخ تصویب مقاله‌نامه پرداخت مزایای مندرج در آن را با تخصیص قانونی مبالغ کافی

همه اشخاص ذی‌نفع صرف‌نظر از ملیت آنها و بدون توجه به محل اقامت آنها تضمین نماید؛ و

(ب) مفاد بند ۱ ماده ۹ و ماده ۱۱ این مقاله‌نامه را در چارچوب اسناد دوجانبه یا چندجانبه‌ای که در

بند ۱ ماده ۴ این مقاله‌نامه بدانها اشاره شده است، به مرحله اجرا درآورد.

۳. هر عضوی که مفاد بند ۲ این ماده را به مرحله اجرا درآورده است، باید در گزارشهایی که، طبق ماده ۲۲

اساسنامه سازمان بین‌المللی کار، ارائه می‌دهد قید کند که:

(الف) دلایل انجام این کار همچنان به قوت خود باقی است؛ یا

(ب) اینکه از حق خود برای استفاده از مفاد بند فوق‌الذکر از تاریخ معینی صرف‌نظر خواهد کرد.

بخش هفتم. مفاد موقت و نهایی

ماده ۱۸

۱. این مقاله‌نامه هیچ حقی برای استفاده از مفاد آن در دوره‌های زمانی مقدم بر تصویب قطعی‌اش برای اعضای مربوط به وجود نمی‌آورد.

۲. برای اجرای مفاد این مقاله‌نامه، تمام دوره‌های زمانی بیمه، اشتغال، فعالیت حرفه‌ای یا اقامت که، به

موجب قوانین یکی از اعضا، پیش از تاریخ اجرای طرح خاصی برای نگاهداشت حقوق در جریان

اکتساب (موضوع ماده ۶ این مقاله‌نامه) در آن کشور انجام یافته باشد باید مورد بررسی قرار گیرد تا

معین شود که آیا باید آن دوره‌ها را همچون دوره‌های متناظر در طرح یاد شده در محاسبات منظور

کرد یا نه، مشروط بر آنکه، در صورت لزوم، موافقت‌های مشترک در مورد بعضی نکات خاص بین

اعضای مربوطه به عمل آمده باشد.

۳. هر یک از مزایای مندرج در بند ۱ ماده ۹ این مقاله نامه که به دلیل اقامت شخص متقاضی در کشوری بجز سرزمین عضو صلاحیت دار معلق مانده باشد باید براساس تقاضای شخص مربوطه، از تاریخ به اجرا درآمدن این مقاله نامه در کشور مورد بحث یا از تاریخ به اجرا درآمدن آن در سرزمین عضو که متقاضی از تابعیت آن برخوردار است، از نو پرداخت شود یا برقرار گردد، مگر آنکه متقاضی قبلاً مبلغ معینی به عنوان تسویه حساب نهایی آن مزایا دریافت داشته باشد. مفاد قوانین عضو صلاحیت دار در مورد ختم حقوق نباید بر ضد شخص مربوطه به کار گرفته شود، به خصوص اگر متقاضی تقاضای خود را بر حسب مورد در ظرف دو سال بعد از این تاریخ تا تاریخ به اجرا درآمدن تدابیر مندرج در بند ۱ ماده ۹ تسلیم کرده باشد.
۴. اعضای مربوطه باید با توافق همگانی معین کنند که هر طرح نگاهداشت حقوق در جریان اکتساب (موضوع ماده ۶ این مقاله نامه) تا چه حد و حدودی در مورد رویدادهای قبل از تصویب طرح به وسیله این اعضا نیز قابل اجرا خواهد بود.

ماده ۱۹

۱. فسخ این مقاله نامه از سوی یکی از اعضا نباید تعهدات پیشین آن عضو را منتفی سازد.
۲. حقوق در جریان اکتساب که به موجب این مقاله نامه مشمول نگاهداشت می شوند، نباید، به دلیل فسخ آنها توسط یکی از اعضا، باطل شده محسوب گردند؛ چگونگی نگاهداشت بعدی این حقوق در طول دوره بعد از تاریخ توقف این مقاله نامه باید به وسیله توافق نامه های تأمین اجتماعی دو جانبه یا چند جانبه بین اعضا، یا در غیبت چنین توافق نامه هایی، توسط قوانین عضو مورد بحث معین گردد.

ماده ۲۰

۱. این مقاله نامه، براساس مفاد بند بعدی این ماده، "مقاله نامه نگاهداشت حقوق و مستمری مهاجران"، ۱۹۳۵، را مورد تجدیدنظر قرار خواهد داد.
۲. تنفیذ قانونی این مقاله نامه، برای اعضای متعهد به "مقاله نامه نگاهداشت حقوق و مستمری مهاجران"، ۱۹۳۵، قانوناً به منزله ابطال آن مقاله نامه نیست.
۳. "مقاله نامه نگاهداشت حقوق مستمری مهاجران" ۱۹۳۵ هنگامی در روابط بین اعضا از درجه اعتبار ساقط می شود که طرح ویژه ای برای نگاهداشت حقوق در جریان اکتساب به موجب ماده ۶ این مقاله نامه در این روابط به کار گرفته شود.

ماده ۲۱

تصویب رسمی این مقاله‌نامه باید برای ثبت به مدیرکل دفتر بین‌المللی کار ابلاغ گردد.

ماده ۲۲

۱. این مقاله‌نامه باید فقط برای آن دسته از اعضای سازمان بین‌المللی کار قابل اجرا باشد که تصویب‌نامه‌های رسمی آنها به وسیله مدیرکل به ثبت رسیده باشد.
۲. تنفيذ رسمی مقاله‌نامه دوازده‌ماه پس از تاریخ ثبت تصویب‌نامه‌های دو عضو به وسیله مدیرکل شروع خواهد شد.
۳. بنابراین، این مقاله‌نامه برای هر یک از اعضا دوازده‌ماه پس از تاریخ ثبت تصویب‌نامه رسمی آن لازم‌الاجرا خواهد بود.

ماده ۲۳

۱. هر یک از اعضا که این مقاله‌نامه را تصویب کرده باشد می‌تواند پس از گذشت ده سال از تاریخ تنفيذ اولیه مقاله‌نامه، به وسیله اعلامیه‌ای که برای ثبت به مدیرکل دفتر بین‌المللی کار ابلاغ می‌گردد، به فسخ آن مبادرت ورزد. این فسخ نباید زودتر از یک سال پس از تاریخ ثبت آن به اجرا گذاشته شود.
۲. هر یک از اعضا که مقاله‌نامه را به تصویب رسانده باشد و، در طی یک سال پس از خاتمه دوره ده‌ساله مذکور در بند پیشین، از حق خود برای فسخ که در همین ماده آمده است استفاده نکند، ملزم خواهد بود که تا پایان یک دوره ده‌ساله دیگر به مفاد مقاله‌نامه متعهد بماند و، پس از آن، خواهد توانست این مقاله‌نامه را طبق شرایط مندرج در همین ماده فسخ نماید.

ماده ۲۴

۱. مدیرکل دفتر بین‌المللی کار ملزم است که همه تصویب‌نامه‌ها و فسخ‌نامه‌ها را به تمام اعضای سازمان بین‌المللی کار ابلاغ نماید.
۲. مدیرکل، به هنگام ابلاغ ثبت دومین تصویب‌نامه‌ای که به وی رسیده است به اعضای سازمان بین‌المللی کار، باید توجه اعضای سازمان را به تاریخ لازم‌الاجرا شدن مقاله‌نامه جلب نماید.

ماده ۲۵

مدیرکل دفتر بین‌المللی کار باید، به موجب ماده ۱۰۲ منشور ملل متحد، مشخصات کامل همه تصویب‌نامه‌ها و فسخ‌نامه‌هایی را که طبق مفاد مواد پیشین به ثبت رسانده است، برای ثبت به دبیرکل سازمان ملل متحد ابلاغ نماید.

ماده ۲۶

در هر زمان که هیأت مدیره دفتر بین‌المللی کار لازم بداند باید ضمن گزارشی درباره عملکرد این مقاله‌نامه به کنفرانس عمومی، مسئله تجدیدنظر در تمام یا بخشی از مفاد آن را مورد بررسی قرار داده و ضرورت گنجاندن آن در دستور جلسه را مطرح سازد.

ماده ۲۷

۱. چنانچه کنفرانس، ضمن تجدیدنظر کلی یا بخشی این مقاله‌نامه، مقاله‌نامه دیگری را مورد پذیرش قرار دهد، جز در صورتی که مفاد مقاله‌نامه جدید دال بر روش دیگری باشد -

(الف) تصویب مقاله‌نامه جدید قانوناً به منزله ابطال فوری این مقاله‌نامه خواهد بود و، صرف‌نظر از مفاد ماده ۲۳ فوق‌الذکر، این ابطال بلافاصله پس از لازم‌الاجرا شدن مقاله‌نامه جدید قوت قانونی خواهد یافت؛

(ب) از تاریخی که مقاله‌نامه جدید قوت قانونی پیدا کند، این مقاله‌نامه برای تصویب به وسیله اعضا معتبر نخواهد بود.

۲. در هر حال، این مقاله‌نامه با شکل و محتوای کنونی خود، برای اعضای که آن را به تصویب رسانده باشند ولی مقاله‌نامه تجدیدنظر شده را به تصویب نرسانده باشند، همچنان به قوت خود باقی خواهد ماند.

ماده ۲۸

نسخه‌های انگلیسی و فرانسه متن این مقاله‌نامه به یکسان رسمیت دارند.

۱. داخلی

فریبا نیک‌زاد

سخنرانیهای مؤسسه

مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی به منظور اشاعه فرهنگ عدالت و تأمین اجتماعی، ارتقای دانش فنی، و بهبود کیفیت و بهره‌وری نیروی انسانی شاغل سلسله سخنرانیهای منظمی برگزار می‌کند. هدف از این سخنرانیها، به طور کلی، شناسایی و طرح و بررسی مباحث مختلف تأمین اجتماعی، تحلیل و ارزیابی آنها، جلب دیدگاههای نقادانه صاحب‌نظران و کارشناسان و جست‌وجوی راهکارهای مناسب و تقویت بنیه خدماتی تأمین اجتماعی در کشور است.

در اولین دوره این سخنرانیها، به طور اخص، موضوع "نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی" مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد که هدف آن جلب نظریات و دیدگاههای کارشناسان سازمانهای حمایتی و بیمه‌ای نظیر سازمان بازنشستگی کشوری، سازمان بهزیستی کشور، کمیته امداد امام خمینی (ره)، و نظایر اینها است. در پایان هر جلسه سخنرانی زمانی برای پرسش و پاسخ در نظر گرفته شده است تا پژوهشگران آزاد و صاحب‌نظران علاقه‌مند به مسائل تأمین اجتماعی نیز فرصت اظهارنظر و ارائه پیشنهاد داشته باشند و مؤسسه را در امر تهیه و تدوین طرح نهایی نظام جامع تأمین اجتماعی یاری رسانند.